



## بنام کردستان بزرگ

### Under name of greate Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل بتودادم؟!  
اول بتو باید گفتن که چنین خوب چرائی؟.

وتووژی میدیا له گه ل به رنژ

مسته فا هیچری : سکرنتتری حیزبی دئموکراتی کوردوستان ئیران

نقدی بر: عنوان فوق

از : سرهنگ چیا

No ( 361)

Year2008

میدیا : [Ahmad\\_safa@ymail.com](mailto:Ahmad_safa@ymail.com)

No 13 ( 362 )

Tue 4 nowember /2008

www.brwska.com سازمان کومله

این نقد بعلت مسافرت با تاخیر نوشته و پخش میگردد.

مایلم این نقد را با این گفته از مانس اشپرنر که زبان حال این مصاحبه است آغاز کنم که مینویسد : ( آنان همگی دچار یک اشتباه فاحشی هستند : اطلاعات خصوصی آنان بهیچ درد نمیخورد. چراکه : جنبشهای توده ائی از قانونمندیهای پیروی میکنند که خاص خود آنها است و باقرار و مدار و مقررات باندهائی که آنها را بنیان گذاشته و رهبریشان را بعهده دارند کاملا متفاوت است. معذالک : تادوران معینی این " عوامفربییها " قدرت و تاثیرگمراه کننده ائی دارند ، مخصوصا اگر: این پدیده یا پدیده های زیانبخش ، مضرواغواگربر: ( نا آگاهی و روش اعتماد آمیز ) مبتنی و متبلور

گردند ، میتوانند داوری خطائی را چنان رسوخ و گسترش دهند که تادیرزمانی دریافت و اصلاح آنها : **دشوار**، **دردناک** و **وگراتنها باشند**).

مطالب زیرتتر عناوینی است که : میدیا ، باسرخطهای درشت و رنگارنگ در تاریخهای فوق با عنوانهای زیرباقای هیجری بعمل آورده است . نگارنده سعی خواهد کرد که به ترتیب و درحد توان و امکان بدانها بپردازد .

## کوماری نیسلامی ئیران بئجگه له سه کوت وزه برو زه نگ هییچ رئگه ی چاره سه ری پی نییه . ( ازکرامات شیخ ما چه عجب ) . ازنگارنده

**جواب :** **اولا** - صرف بیان و ذکرچنین مطالبی آنهم پس از : ( 30 سال ) زندگی کمپ نشینی .... پس از : ( 30 ) دوری از صحنه های عملیات " سیاسی ونظامی " مورد ادعای رهبری نه تنها کافی است ، بلکه این : بمنزله سفسطه درسیر تاریخ وشانه خالی کردن درقبال مسئولیت هائی است که : به رژیم امکان استقرارچنین سیستم اختناق وسرکوب را لااقل درمناطق کردنشین داده است و .... واکتون فرسنگها دورازمنطقه بمانند جغد شوم " **ویرانی ومرگ** " دردل شب درکمپ ها وقلاء متروکهه نظامی بجا مانده ازارباب سا بقشان و .... درمیان دلارهای دریافتی ازسلطنت طلبان گرفته تا سران قیادهه موقت دیروزی و... پارت دمکرات امروزی ؟! ، از مردم کرد میخواهید که باین افسانه پردا زیها گوش فراداده - وباورآورند .

**حضرات!** ، امروزه آن دانش آموزمدرسه ، آن واکسی سرکوچه و .... بالاخره : آن دهقان ساده لوح کرد نیزبتجربه ودر عمل باین حقیقت تلخ تاریخی ناشی از : اهمالگریهای دستگاه مدعی رهبری جنبش آنان پی برده اند و .... از تکراروشنیدن آن بیزارومتنفرند .

**ثانیا** - آنها ازجنابعالی می پرسند : چرا ؟ چاره چیست و.... چه باید کرد ؟؟ .... عامل ویا عاملین ، مسبب ویا مسببین اینوضعیت " **تراژدییک** " چه کس ویا کسانى بوده - وهستند ؟؟ .... **وبالاخره** ، چرا : ما وجنبش مارا ترک وبدشمن دگرما پناه بردید؟؟ و.... در اینمدت : ( 30 ساله ) برای ما وجنبش ما چه کرده اید؟؟ .

بهمین خاطر است که : به معنای دقیق کلمه اعتباریک جنبش : ( ملی وانقلابی ) فقط باید بیک مصالحهه ملی و اجتماعی پاسخ گوید . لذا : هرگونه سازش دیگری که رهبری امورخاص آنرا دربرگیرد ، ازیک طرف بمعنای آنست که خودرا به چیزپوچ وابلهانه دلخوش نماید ، ازطرف دیگر : پیشاپیش خودرا به حلق آویزشدن " **انتحار** " محکوم نماید . آیا انگیزهه توسل وبیان چنین سخنانی دراینست که : شرایط جمع نشده وبرتری دشمن مطلق است ؟ که پیشاهنگ یا پیشاهنگان " **کمپ نشین** " ما خودرا به حلق آویزشدن محکوم نمایند ؟! ، آیا شعارمعروف وروزانه رهبری حزب دمکرات ایران درجامعیت آن : ( **دشمن ، دشمن ما دوست ما است** ) تا سقوط رژیم بعث در 5 سال پیش : امروزه وبه تجربه ، بمعنای : چیزپوچ وابلهانه نبود ؟! . آیا اثرات این درهم ریختگی وپراکندگی امروزی جنبش ما از نظر : ( سیاسی ونظامی ) دراین بخش از **میهن کرد** ، نتیجه وحاصل چنین شعارهایی نبوده و .... نیست ؟! ، آیا کمکهای اعطائی ؟! به قیمت یک رهبری نامرئی پذیرفته نشده و .... فعلا نیزنمیثوند ؟!

دراینباره نیازنیست که : دست بدامن عالمان غیب وصابان معجزات و.... یا دراندیشه های دورودراز فرورویم تا مصائب وبلائی : ( گذشته ، حال و.... آینده ) یک چنین کمکهائی را پیش بینی کنیم . **بمصدق :** ( آنچه عیان است چه حاجت به بیان).

**یعنی اینکه :** اگر مقدرات جنبش ما دیروزبه همت والای آقای دکترقاسملو در دست رژیم بعث بود و .... امروزه بهمت والای بیروانش در دست : آقایان : بارزانی وطالبانی است ، بقدری روشن وآشکاراست که : نیازی به توضیح ویا تشریح آن نیست .

در غیر اینصورت **آقای هیجری!** ، تآنجا که : به سوابق جنبشهای سایرملل وتجارب ارزشمند آنان در اینمواقع و.... دانش وفن نگارنده این سطور و **بویژه** ، انطباق آن با شرایط گذشته وحال جنبش ، **که** : ناشی ازچنین

موارد مشخصی از: ( بحران وین بست سیاسی ) با رژیم که : شما در بالا اشاره کرده و .... مربوط میگرد د :  
(راه کار نظامی بعنوان ادامه راه کار سیاسی شکل گرفته و .... میبایستی بمورد اجرا در آیند ) .

آیا جناب عالی و دیگر هم فکرتان چه : آنها که از گروه شما منشعب ، و یا آنهاییکه در گروه جناب عالی باقی مانده اند ، در این مدت 30 ساله زندگی کمپ نشینی از این اصول و قواعد عام جنبشهای دیگران حتی یکبار هم که شده ، پیروی کرده اید؟ **و یا برعکس** : آنرا مغایر و منافی با اصول و قواعد : ( زندگی کمپ نشینی ) ، با آتش بست یکجانبه و مصلحت آمیز و .... **بالاخره** ، آنرا مغایر با ( سپردن التزام و تعهد ) به سران حکومت محلی در اینباره دانسته اید ؟ در نتیجه : امروزه بعنوان عامل و مسبب اصلی به دشمن امکان ایجاد ادامه چنین شرا نطی از : ( اختناق سرکوب ) را در منطقه فراهم آورده اید . و اکنون بجای " اندیشه و عمل " از سرباس و ناامیدی به چنین مصاحبه هائی : ( شعار هائی ) توجیه گرانه : ( عوامفریبانه ) متوسل شده اید .

**خوزه مارتی** : یکی از قهرمانان جنگهای استقلال کوبا ، در اینباره چنین میگوید : ( کسیکه جنگ **اجتناب پذیری** را در یک کشور علم میکند ، **جنایتکار** است . اما کسیکه جنگ **اجتناب ناپذیری** را در یک کشور را علم نمیکند هم **جنایتکار** بشمار میرود ) .

**به شعار گوتتی کوردستانی یه کگرتووه کوخه ونوخه یال ده زانم ، نه وه ی له خه ون و خه یال دا بژی له واقیعدا دووره** .

**آقای هجری!** ، این نه تنها خواب و خیال نیست ، بلکه این حقیقت تاریخی است که ( 63 ) پیش اولین رئیس و بنیانگذار حزب دمکرات بنام زنده یاد " پیشوا " آنرا اعلام و بنا نهاد . بطوریکه دستگاه مدعی رهبری در اینمدت ( 30 ساله ) هر سال : سالروز آنرا با : ( **دهول و سورنا و پای کوبی** ) جشن گرفته و .... جشن میگیرد و .... بیاد آنروز به سخنرانیها یا بهتر است گفته شود به : ( خود مطرح کردن و ... عوامفریبی ) میپردازد . بلاین تفاوت که پایتخت آن جمهوری در شهر مهاباد بود . **لکن** ، پایتخت خودمختاری طلبان فراری از ابتدا تا با امروز : ( **30 سالست** ) در **کمپ آوارگان ایرانی** : ( بوده - وهست و .... خواهد بود ) .

**بیاد داشته باشید!** ( آنچه ملتهار اشکل میدهد چیزی جز اعماق خواستن و آرزو کردن نیست ) . از سر هنگ چیا : نگارنده این سطور و .... یکی از داوطلبان شرکت در جنگهای استقلال طلبانه میهن کرد .

افزون بر آن : دستگاه رهبری " **منشعب و منزوی** " حزب دمکرات کردستان ایران در کلیت آن ( جناحهای 1 و 2 ) اکنون مدت سه دهه ( 30 سالست ) که در کمپ آوارگان ایرانی در خواب و خیال " **خود مختاری** " : کالای بنجل خود ساخته و دست چین ، **لکن** : به نرخ : ( **گزارف و گران** ) بر سر دوراهی تاریخ بانتظار : ( **قضا و قدر** ) نشسته است و .... **قیل از اینک** : این خواب و خیال اولیه و انحرافی تان شکل بگیرد و تحقق یابد . آنرا به : ( **فدرالیزم** ) ارتقاء داده اید!! . لابد : برای خواب و خیال جدید شان که مثلا : **معقول تر از شعار اولیه شان بنظر میرسد!** طبعاً : می بایستی شش دهه : ( 60 سال ) دیگر در کمپ آوارگان ایرانی بر سر دوراهی تاریخ باز هم بامید وقوع " **معجزه و افسون** " بانتظار بنشینند تا اگر : خواب و خیال جدید شان تحقق یابد ؟؟ . **آنگاه** : نه تنها : **حضرات** .... حتی ولیعهد های برگزیده و جا نشین شما نیز امکان دیدن : تحقق چنین خواب و خیالی را نخواهند داشت . **بمصدق** :

ترسم نرسی به خانه کعبه ای اعرابی  
زان راه که تو میروی به ترکستان است .

**شایان ذکر است!** : هریک از سران دوجناح کمپ نشین یکی از فرزندان ذکور خود را در کمپ آوارگان و در کنار خود ، بعنوان : ( **جانشین و ولیعهد** ) آینده نگهداشته و ... بقیه را با اروپا فرستاده اند ؟؟ . بطوریکه طبق اخبار سا-

یتهای خبری : [www.brwska.com](http://www.brwska.com) سیازمان کومله

هم اکنون جدال قدرت بین آقای ملا عبدالله - آقای عزیزی " مسئول فعلی جناح " در جریان است. زیرا ملا عبدالله میکوشد تا فرزند نکور " ولیعهدش را " جا نشین خویش نماید.

بنابر آنچه را که فوقاً اشاره شد : 30 سال خواب و خیال خود مختاری بعلاوه 60 سال خواب و خیال فدرالیزم که مثلاً : ( معقول تربه نظرشان میرسد )؟! رویهمرفته میشود : 90 سال. فواموش نکنید! که : در اینمدت 30 ساله معروف به دوران : خودمختاری و خواب و رویای شیرین آن : دونفر از دبیران کل " خود مختار " طلب حزب ، و از آن مهمتر اینکه : بنا بارقام و آمار خود تان در این کچراه اندیشه و انحراف و ( خود ساخته ) شان تعداد 4500 نفر از بهترین فرزندان کرد : ( پیشمرگان ) را فدا و ... خانواده ها ایشان را چشم بر سرآب بی پایان باز گشت ها ، داغدار و منتظر گذاشته اید ... مزارع سرسبز و مایه امید سالیانه آن دهقان فقیر و کوژ پست کرد را به تلی از خاکسترو د ، مبدل ساخته اید و ..... نوزادان را در آغوش گرم مادران شان ، برای همیشه به دیار مرگ و نیستی فرستاده اید و .... لذا ، مردم کرد و .... آزادیخواهان وی حق دارد که از این حضرات : باصطلاح رهبری بیرسند : حضرات! اینهمه برای چی و .... چرا !؟.

و این در حالیست که : هم اکنون استقلال طلبان میهن کرد بر مبنای تاریخ و حقیقت ، چه از نظر " سیاسی و چه از نظر نظامی " در بخشهایی از میهن کرد: عملاً در انظار ، اخبار و ... انتقاد روزانه کمپ نشینان رهبری !؟ ، عملاً با رژیم میلیتاری فاشیستی ترک در مبارزه - و پیکارند : یعنی اینکه : ( دشمن را میکشند و خود نیز کشته میشوند تا .... میهن خود را آزاد سازند ).

لذا : چه مانعی دارد که آنها در اینراه بس ( والا و مقدس ) تاریخی و حقیقی ( نه مجازی و خود ساخته ) شان ؟؟ ، اگر 100 سال دیگر ، لکن : با پیروی از خط مشی " سیاسی و ئیدئولوژیکی " بنیانگذاران جمهوری یا .... بهتر گفته شود جمهوری های : ( مهاباد ، آرات کوچک و ... اعلام استقلال زنده یاد شیخ محمود به پایتختی سلیمانیه ) در کردستان بزرگ و .... در صحنه های نبرد واقعی و سرنوشت ساز .... سخت و دشوار !! ، با ایمان و اعتقاد راسخ به راه شان : در مبارزه و پیکار باشند . بمصداق :

بر موجی که بر پایت می شکند ، درنگ مکن

چه! ، تا پایت در آب است ، موجهای دیگری بر آن خواهند شکست.

که سنک ویان لایه نئک باوه ری به مافی نه ته وایه تی گه لی کورد نه بی خه تی سووری  
ئیمه یه.

آقای هجری! آیا : کسان و ... یا سازمانها - واحزایی که : خود مدت سه دهه ( 30 سال است ) در کمپ آوارگان ایرانی و ... صدها کیلومتر از منطقه فعالیت ( سیاسی و نظامی ) مورد ادعا - و مورثی رهبری شان ! ، خود در خط قرمز ... و در زیر چتر حمایت امنیتی دیگران : به ( بهانه و دستاویز ) شعار : موهوم و خوش ساخته رهبری : ( دشمن ، دشمن ما ... دوست ماست )؟! در گذشته ، و یا شعار : حفاظت از : ( دست آوردها حکومت محلی کرد در جنوب کردستان )؟! ، بر سردوراهی تاریخ بانتظار " قضا و قدر " نشسته اند .... میتوانند برای دیگران خط و نشان قرمز بکشند ؟!!! .... آیا این تنها یک شعار پوچ تو خالی و .... عوامفریبانه نیست؟! . تا کی بخود و .... بدیگران دروغ میگوئید ؟؟ .

حه رکه تی پیشمه رگایه تی له ناوخوی کوردستاندا به قازانج و به رژه وه ندی جولانه وه -  
ی کورد ده چننه پئشی.

آقای هجری! : منظورتان کدام منافع و مصالح خلق کرد است ؟؟ ، مگر نه اینست که از زمان عقب نشینی استراتژ - یکی ( 30 سال ) قبل - و پناهندگی به دولت سرنگونه شده بعث عراق - با پیروی از مصالح و منافع فردی و گروه گرایانه رهبری وقت : ( دکتر قاسملو ) و .... پیروان و مداحان امروزی وی؟! ، تا کنون حتی گلوله ای هم بسوی

دشمن تیراندازی نکرده اید؟ و.... بامید: تالیتیک "کمپ نشینی" - واسترا تژی "انتظار" از: بیکارگی، ویاس ناامیدی تاکنون در کمپ آوارگان ایرانی: بد و انشعاب، وزد و خورد بین طرفداران ساده لوح و ناآگاه تان؟؟ برسر تقسیم: ثروت و مکننت و.... استیلاگری قدرت بر مبناء: تقسیم این بخش از میهن کرد، به مناطقی زیر نفوذ (شمالی و جنوبی) و تسلط گروه های: آواره و بیهدف.... پرداخته و میپردازید؟؟ آیا اینوضع را میتوان بغیر از: (تسلیم طلبی) و.... پیش درآمدی از: (ناش به تال) آینده نامید؟؟. مسلمان خیر.

بیانید یکبار و آنهم فقط یکبار باین حقیقت ملموس و مشخص تاریخی اعتراف کنید که: با ترک ورها کردن پایگاههای تدا کاتی و لوجستیکی پشت جبهه ائی و.... دادن امکان پیشروی به نیروهای دشمن بمنطقه، بزرگترین صدمات را بر پیکر توانا، نوحاسته و سراسری جنبش رهائی بخش "ملی و انقلابی" مردم ستم دیده کرد در این بخش از میهن کرد وارد ساخته اید. یاد آوری!

(در اطراف ما نه حقیقتی است و نه عدالتی، فقط عادت و جبر مارا در این جهان نگه داشته، وجود ما غیر از دروغ و فریب چیزی نیست، خودمان را مسخره میکنیم و.... به خود و دیگران دروغ میگوئیم). از پاسگال.

رفقا!، آنچه را که در زیر میخوانید بخشی از این مصاحبه است که سعی خواهیم که در زیر به ترتیب بدانها بپردازیم. با این امید که توانسته باشیم در حد توانائیم، جواب مناسب و مبتنی بر تاریخ و تجربه بدان داده باشیم.

میدیا: بیوه له به رنامه ی کونگره دا حه ولوداوه، ریه ک بوئه وه ببینه وه که سعی بکایانی هئزی که مپ نشین که متر کاته وه، زیاتر هئزکانی خوی بننریته ناوه وه، هه تا ته نانه ت له تار اوگه ش هئزه کانی خوی بننرئته وه له ناوه وه کار بکری؟؟.

آقای هجری! که مپ نشینی دیاره ته ئسیراتی منفی خوی هه یه، به لام من له و باوه ره دا نیم به جوره ی که هئندئک ده یانه وئ گه و ره ی بکه نه وه، چونکه که مپ نشینی نه وه نییه ئیمه هه لمانئزار بیئ نه وه یک.

آقای هجری!، صرف گفتن اینکه: کمپ نشینی این نیست که ما انتخاب کرده باشیم!، نه تنها جوابگوی 30 سال زندگی کمپ نشینی نیست، بلکه بخودی خود "میهم و مغلطه آمیز" است. زیرا؛ مردم کرد و آزادیخواهان وی میپرسند که: چه کس و یا کسانی.... چه سازمانها و یا تشکیلات دولتی در انتخاب و گزینش 30 سال زندگی عاطل و باطل کمپ نشینی دخالت داشته و یا... دارند؟؟. و بویژه: علت و انگیزه و... یا علل و انگیزه های آن مشخصا چیست و کدام ها هستند؟؟. چرا: در این مدت 30 ساله وهم اکنون نیز آنها را به سکوت برگزار کرده اید؟؟. آیا روابط تنگ و تنگ دکتر قاسملو" دبیرکل وقت حزب با: (سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی) رژیم وقت عراق و... سپس ادامه آن وسیله پیروان امروزی شان در انتخاب و گزینش چنین زندگی نقش کلیدی را نداشتند؟؟. اگر امروزه و بر مبناء "آن و این" ها و.... حقایق تلخ و ناگوار گفته شود:

که مپ نشینان ده رد و زاماری: گه لن، گه ل ای دریغ!

روله لای گه ل که ن، گه ل: پربه جامی ژيرو، ژین وهسته وه!

آیا سخنی بگزارف میباشد.

آقای هجری!، دووه م نه وه ی ئیمه له که مپ دابین به ومانای نه وه نه نییه که هه موو حیزی دئموکرات له که مپ دایه، ئیمه به شئکله ته شکیلاتی ئاشکر امان له که مپ دا نه به دلیلی نه منیتی له ئیران، باقی حیزبه که مان له نیوخوی کو- رستانی ئیراندا فعاله،

سئوال: منظورتان کدام بخش آشکار و کدام بخش نهانی وزیرزمینی است!!!. براستی اگر کس و یا کسانی به ویژه: جوانانیکه تازه پا بر صحنه مبارزه نهاده اند و با: تاریخچه اندیشه و زندگی اورگان رهبری این حزب از ((ابتداء باگشت از عراق تا زمان برگشت بهمان جا)) آشنا نباشند، فقط بخوانند از وی ظواهر این قبیل عبارت پردازیهها- و یا سایتهای انترنیتی اغواگرو افسانه های شکست ناپذیری آنان که: بر پایه تئوری انحصار و استیلا گری- و حفظ قدرت و بقا و منافع گروهی آنان، ساخته و پرداخته و پخش میگردند قضاوت کنند. و یا کسانی که

چشم دارند ، لکن درپرتو ( روابط شخصی ، ملاحظات معین سازمانی ، ویا محافظه کاریهای ) شان این اوضاع و احوال رانمی بینند و.... یا اصولا منکر حقایق اند. ممکنست هر لحظه این تصور و تصویر غلط و اشتباه آمیز، بر آنان غلبه کند که : **بسا!** ، کادر رهبری ( منشعب و منفعل ) این حزب همانا : از خط مقدم جبهه های جنگ دوشا. دوش پارتیزانهای کرد ، یا خود بمنزله خبرنگاران جنگی از صحنه های نبرد ( آشکار و پنهانی ) و احتمالا از پایگاه های فرماندهی و - مدیریت در قلب کوهستانهای آن بخش از شرق کردستان که از قضاء آنها داعیه رهبری موروثی - و بلامنزاع آنها دارند و .... **بویژه** از : موضع تاریخ و زندگی " جامعه و سرزمین " اشغال شده کرد سخن میگویند.

**آقای هجری!** ، و قتیکه اورگان رهبری حزبی نتوانسته - ویا نخواسته از آن : خیزش سراسری ، خود جوش و ساز مان نیافته را در مکان و زمان خود بموقع : ( سازمان داده ، رهبری کرده - و مورد : استفاده و بهره برداری " سیاسی و نظامی " ) قرار دهد **!!!** . **حتی بعکس** : پایگاههای مدیریت ، فرما ندهی و لوچستیکی آن را یکی پس از دیگری رها و به امید امکانات دشمنان قسم خوده - و تاریخی مردم کرد ، به وضعیت و شرائط : ( **رکود و بن بست** ) امروزی آن گرفتار آمده است. **دستگاه رهبری که** : در گذشته و.... حال قادر نبوده نیست که : از منافع گروهی ، جاه طلبی های فرد گرایی نه اشان صرف نظر نمایند **!!!** . **ارگان رهبری که** : نخواسته ویا نتوانسته اتحاد و هماهنگی بین خود و طرفداران شانرا حتی در کمپ آوارگان نگهداری و حفظ کند. چگونه امروزه می تواند ادعای : ( **بخش آشکار و زیرزمینی** ) حزب را بنماید **!!!** .

لذا : سراسر زندگی و پیرائیک تاریخی ، ملاحظات روزانه و عینی تلخ و ناگوار مردم کرد ، ناشی از سوء رهبری حزب دمکرات ایران **!** ، در مفهوم و محتوای : ( **عام و خاص** ) آن از قاعدا عظم : دکتر قاسم سلو گرفته تا جناب عالی و .... از آقای ملا عبدالله گرفته تا .... ملاهای دیگر قدم به قدم خلاف ادعای شما هاسخن میگوید :

آنتونیوگر امشی در اینباره مینویسد : ( از نظر کارکرد یک حزب یک وجه مشخصه وجود دارد ، اگر حزب مترقی باشد بطور دمکراتیک در مفهوم " سانتر الیزم دمکراتیک " کار میکند ، اگر واپسگرا باشد بشکل بوروکراتیک در مفهوم سانتر الیزم بوروکراتیک کار میکند. **در حالت دوم** : حزب فقط فقط یک دستگاه بی مغز است. از نظر تکنیکی این حزب بارگان پلیسی تبدیل شده و نام آن بعنوان یک حزب سیاسی چیزی جز یک قرینه سازی با محتوای اسطوره ای نیست ) .

**آقای هجری!** ، نیستا نیمه به ده یان زندانی مان هه یه ، خه لکمان هه یه له ژیر اشکنجه دا ، به شئک له لاهه کان دننه ده ری په یوه ست ده بن به هنزی پئشمه رگه زا وقه ده ره ، به لکو کاروتوشانمان وه فه عالیاتی سیاسی وراگه یاند مان هه یه ، ته شکیلات و ثورگانیزاسیونمان هه یه ، پیوندیمان هه یه له گه ل نیوخوی وه لات ، له ده ره وه هه موونه کارانه ده که بن، تنها لئره دا که مبودی هه یه مه سه له ی فه عالیته تی چه کداریش وه کو عه رزم کردن نه گه رحیزی دئموکرات روژئک وای لئکدابی ته وه که فه عالیاتی چه کداری به قازانجی به روپیش جونی جولانه وه یه ده چی نه وه کاره ش ده کا ،

**سئوال : آقای هجری!** ، منظورتان مشخصا کدام زندانی ویا شکنجه شده ها است **!** . تا آنجاکه : به زندگی و تاریخ روزمره : ( **جامعه و سزمین** ) کردوکردستان مربوط میگردد ، این سرزمین بمساحتی در حدود **55** هزار کیلومتر مربع بمنزله زندانی " روحی و روانی و جسمی " جمعیتی است : در حدود **35** میلیون کرد از زن و مرد ، پیر و جوان و خرد و کلان میباشد. دورتا دور این " **زندان بزرگ و مخوف** " را دیوارهای جدائی از : نوع : ( **دیوار برلین** ) کشیده اند. بجای مجسمه یا مجسمه های رهبران واقعی و آزادیخواهان آن ، تا بخواهی مجسمه هائی از : **اتاترک** ، **خمینی** ، **حافظ اسد** و .... **الخ** ، نه تنها در ادارات دولتی بلکه : در میادین عمومی ویرسرها کوچک و بزاری - ونه تنها ویرسرها کوچک و بزاری .... بلکه : بردامنه های ارتفاعاتی دور شهرها رانیز .... خود بمنزله آلات و ابزار برای شکنجه روحی و روانی روزانه آن دیوار و.... مردمان آن تبدیل شده است . که در ورا آن باید اعمال و رفتار وحشیانه و.... سرکوبگرانه ماموران دولتی این ( **زندان بزرگ** ) را افزود ، که بطور روزانه و مستمر : بعنوان عنصر اصلی وزیربنائی : موجبات اعتراض و عکس العملهای آزادی خواهان و مبارزان کرد شده که در نهایت سبب : ( **زندانی و شکنجه** ) کردن آنان میگردد و.... **لاغیر!**

حال پرسیدنی است : منظور آقای هجری! کدامین زندانیان و شکنجه شدگان کرد است که : بخاطر گروه های آواره ، سرگردان ، کمپ نشین و .... بیهدف و .... مزدور و متحدین دشمنان : (( سازمانی و دولتی )) متحد و قسم خورده در گذشته و... شوینست های : پان ایرانیست و سلطنت طلبان امروزی ؟؟ به زندانی افتاده و شکنجه می گردند؟! که امروزه جنابعالی : با فرصت طلبی و .... و تنها : برای خود مطرح کردن و .... در فرایند آن توجیه : ( 30 سال ) زندگی عاطل و باطل کمپ نشینی چنین ادعائی را مورد بهانه و دستاویز خود قرار می دهید!!

پرسیدنی است : آیا در میان آن زندانیان مورد اشاره - و ادعای جنابعالی : برای نمونه هم که شده : یکی از اعضا کادر رهبری و یا حتی : اقوام و خویشاوندان آنان وجود دارد ؟؟.

آقای هجری! آنچه را که به جنبش مقاومت ملی در کردستان ، بویژه : در بخش شرقی آن حقانیت بخشیده است قبل از اینکه : برنامه این و یا آن سازمان یا حزب باشد. همانا تبعیض - وستم و سرکوبی است که در کردستان بطور مضاعف و اتوماتیکی وجود دارد .... لا غیر.

آقای هجری! میفرمائید که هر وقت بنفع مردم کرد باشد هر وقت لازم باشد مبارزه مسلحانه را آغاز خواهد کرد!!.

پرسیدنی است : کی ؟ کجا ؟ و چطور؟. اینها مسائلی است که باید از نظر نظامی اعم از : ( جنگهای منظم و یا غیر منظم " پارتیزانی " ) باید مطالعه و حل گردند. با کدام پایگاه پشت جبهه ائی ؟ با کدام آموزش و سازمان ؟ ، با کدام هدف مردمی ؟. چراکه : دستگاه رهبری فراری و وابسته قبلا بهای سنگینی را از خون فرزندان کرد را برای تامین اهداف ( سیاسی و نظامی ) ارباب سابق رژیم بعث - بویژه : در جریان جنگ 8 ساله : ایران و عراق بنام و عنوان : ( خود مختاری ) پرداخته است : 4500 نفر پیشمرگه شهید ! ، که امروز بدون برآورد و تامین آن هدف قبلی و انحرافی آنرا به خواب و خیال موهوم ، موعود و مبهم دیگری بنام : فدرالیسم تبدیل کرده اید؟؟.

افزون بر اینمورد و ... از آن مهمتر اینکه : تشکیلاتی که از نظر " سیاسی و نظامی " مدت 30 سال مستقل نبوده و نیست و در مفهوم و محتوای : ( جیره خواران موظف ) دیگران بسر برده - و میبرد .... چگونه میتواند چنین تصمیمی را بمورد اجرا و عمل در آورد ؟ .... جواب التزام و تعهدی را که به سران حکومت محلی در اینباره داده اید که حتی گلوله ائی را نباید بسوی دشمن : ( رژیم ایران ) تیراندازی کنید ، چه خواهد شد ؟؟ ، چراکه : در اینصورت باید کمپ آوارگان ایرانی را ( استراحتگاه 30 ساله جناحهای منشعب و منزوی را ) رها و ... از آن مهمتر اینکه دیگر از دلارهای آمریکائی دریافتی از آنان در قبال قبول چنین التزام و تعهدی : ( خود فروشی ) خبری نخواهد بود و .... اینکار بغایت برایشان سخت و دشوار و .... لذا : غیر مقدور خواهد بود.

آقای هجری! ، تاثیرات سوء و شوم : ( مادی ، معنوی و بویژه ، ملی ) این مصاحبه ها " افسانه پردازیها و خود بزرگ بینیها " عمیق و عمیق تر از آنست که بتوان تحت عنوان این قبیل " حيله و نیرنگها " آنرا توجیه و خود را در پیشگاه تاریخ خلق کرد تیره کرد.

زیرا که : اوضاع آشفته و بحرانی که در این مدت 30 ساله و ... هم اکنون نیز ارگانیزم : (( تشکیلاتی وئیدئولوژی - یکی )) جنبش خلق کرد را فرا گرفته - در واقع تداومی است بیمارگونه از ابتلاء باین " لاطائیات " ها است..

چون تیک نظر کرد پر خویش در آن دید

گفتا ز کی نالیم که از ماست که بر ماست.

بویه من نه و ستانه ی له سه ر که مپ نشینی ده لین ره دی ده که مه وه ، نه وه ش به خه ته رده زانم که کومه لکه ی کوردی بنته سه ر نه باوه ره ی که فه عه عالیات و تنکوشانه که ی تنیا له چوار چنوه ی تفه نگ و پیشمه رگه دا ببئی ، نه وه بوچوونیکی خه ته رناکه چونکه له گه ل نه وه ی که کار پیشمه رگایه تی تاثیر ی خوی هه یه وله رابرد دو

شدا بوویه تی ، به لام ده بی له بیرمان نه ئه وه ی که کاروتئوکوشانی ئیمه زیاترده توانی به رئه پیشی پیکهئانی خه باتئکی جه ماورییه ، له ریگای راگه یاندنه وه کورد ، ئه وانه ته سیراته که یان زیاتره ، به تایبه تی له بیرمان نه چی که ئیستا خه باتی چه داری له نه زرکومه لگای نیونه ته وه بییه وه زورپه سه ند ناگری ، بویه ئیمه مه سه له که مان نایی به به ستینه وه به وه ی که ئه گه رخه باتی چه کداریمان کرد ئه وه هه موی شتئکه ، ئه گه رنه مان کردهیچ نییه حیز- بی دنموکرات له گه ل ئه وه ی که ئیستا خه باتی چه کداری را کرتوه ، به لام له ماوهه دا له کومه لگای نئونه ته وه پیدا سه رکه وتنی زوور گه وره ی به ده ست هئناوه له نئوخوی وه لات دا ته شکیلاتی به هئزی هه یه ، له باری راگه یاندنه وه هه نگاوی زور به روپئشی ناوه ، چون ئه وانه به وه داده نری که له که مپ دا ده نیشتون و ئه وخه لکه بئکاره ن .

**آقای هجری!** : ( تا نباشد چیزی ، مردم نگویند چیزها ) . شاید هم منظور جناب عالی این باشد که : ( **شتر دیدی؟** ، نه دیدی ) ؟ . **رفیق!** ما کوشیدیم تا شتر را نبینیم ، ولی باور کنید : **شتر بزرگتر از آنست که از کنارش ندیده گذشت .**

حقیقت اینست که : سران عزلت نشین د و جناح منشعب و منفعل حزب دمکرات ایران ساکن و صاحب : کمپ آوارگان " رهبری " ، میکوشند که این مدت 30 سال زندگی : بخور و بخواب و .... پراز خواری و مزلت گذشته که 25 سال آن در خدمت دستگاههای ( **اطلاعاتی و امنیتی** ) رژیم سرنگون شده بعث بوده و ..... 5 سال اخیر آن را در خدمت دوستان رژیم ایران : ( **بارزانی و طالبانی** ) بوده و .... میباشند . بهرحیله و نیرنگی و به هر بهانه و دستاویزی متوسل شده و .... میشوند که : تا شاید بتوانند آنرا توجیه و .... مآلاً فرار از جبهه های واقعی مبارزه " سیاسی و نظامی " در کردستان شرقی را که از قضا : داعیه رهبری آن را در سردارند ، توجیه و خود را در پیشگاه تاریخ و جنبش رهائیبخش خلق کرد تبرئه نمایند .... **چه خواب و خیال عبثی!!** . **یادآوری!**

( خوشا به حال و هوای آنها که : چون کبک سرخود را در برف فرو برده اند و .... خیال میکنند که همه چیز در اطرافشان نا پدید شده است ) .

در غیر اینصورت ، پرسیدنی است : **آقای هجری!** - باستناد و اتکاء به کدام دانش و فن : سیاسی و نظامی در باره : مبارزه مسلحانه و زمان بندی آن با ظهار نظر میپردازید؟! **و بویژه** ، که اعتقاد و توسل به آنرا کاری پرمخاطره و زیان آور میدانید؟! ، و در اینمورد تا آنجا با ظهار فضل و دانش میپردازید که گویا : امروزه مبارزه مسلحانه دیگر مقبول جامعه بین المللی نبوده - و از ( **مد افتاده است** ) !! .

**آقای هجری!** ، راست است که : ( **سفیر گلوله ها را شنیدن ، ترکش خمپاده ها را ملاحظه کردن ، و پراژ فانтом ها را بر بالا سر سنگرها دیدن و شنیدن ، و ..... سرانجام مرگ ویرانی حاصل از آن بغایت کاریست سخت و دشوار** ) . **بمصدق :**

### **کار هر بزن نیست خرمن کوفتن گاونر میخواهد و مرد کهن**

لکن ، آنجا که حکم تاریخ است ، آنجا که سرنوشت ملتی ( **آزادی و استقلال** ) وی در میان باشد ، یعنی اینکه : آنجا که مبارزات مبارزین ( **هد فمند ، تاریخی و حقیقی** ) باشد ، و **بویژه** .... آنجا که سرود ( **ئه ی ره قیب ، هه رماوه قه می کورد زبان** ) صحنه های نبرد " مرگ و زندگی " را فرا گرفته باشد . آنگاه و .... فقط آنگاه است . همه خطراتی که : " **سرهنگ چیا** " بدان اشاره و **کمپ نشینان** حتی از شنیدن آن وحشت و ترس دارند . **نه تنها :** قابل قبول و تحمل اند .... بلکه پراز عظمت و افتخار ، پراز کامیابی و موفقیت خواهد بود .

لکن ، اگر غیر از این باشد؟! .... که متاسفانه هست . آنوقت سرانجام مبارزه نه تنها سخت و دشوار خواهد بود ، بلکه اساساً غیر قابل دسترسی مینمایند . **زیرا** این قبیل سخنان تکراری و توجیه گرانه ، و ملال انگیز و یا س آور ، که گویا ( **در ایندوان مبارزه مسلحانه مورد قبول و پسند جوامع بین المللی نیست** )!! . بسخن واضحتر : در کمپ آوارگان " **رهبری** " بر مبلهای سلطنتی لم دادن و هرا از گاهی برای : خود مطرح کردن و رفع مسئولیت و جواب گویی به اعتراضات و انتقادات 30 سال گذشته سراسر " **رکود و سکون** " آمیز ، به چنین : جعل و تزویرهای خود ساخته و عاری از حقیقت متوسل شدن ، درد بیمار مبتلاء به 30 سال بیماری کمپ نشینی را نه تنها مداوا و معالجه نخواهد کرد . بلکه بخودی خود مسری : ( **زیان آورو و آگیر نیز بوده و .... خواهد بود** ) .

زیرا! ، این دنباله و پیروی از: همان شعا خودساخته و معروف قاعد اعظم قاسملو: که میگفت: ( **ما سیاسی هستیم و نه نظامی** )!! ، مگر نه اینست که: این سیاستمدار بزرگ و دانشمند عصر دین کچراه فکرواندیشه ( **اختصاصی** ، فردگرایانه و جاه طلبانه ) اش: تا آنجا موفق و پیروز ( **بود و... شد** )!! ، که: سرانجام نتیجه اش را به عینیت دیده و .... میبینیم؟؟

**ولذا:** با پشت کردن باین تجربه عینی و تلخ تاریخی و.... بهانه این که گویا: از راه تهیج و تحریک توده ها باید به قیام با رژیم اسلامی که تا: گلوود ندان مسلح است ، به مبارزه پرداخت. نتیجه ای جز: 30 سال دیگر بامید و اتکاء: ( **قضا و قدر** ) در کمپ آوارگان ایرانی نشستن و .... خوردن و خوابیدن نخواهد داشت.

کسی چه میداند! ، شاید بنظر **حضرات!**: میبایستی از طریق: " **انقلاب سفید** " از نوع شاهنشاهی که گویا: امروزه از متحدان آنان بشمار میروند؟ باید متوسل ویا .... **یا بسا!** ، نظردوستان کمپ نشین! ، آن باشد که: بشیوه " **گاندی هندوستانی!** " و با توسل به ریاضت کشیدن و یا روضه سیاسی گرفتن... بمبارزه با اشغالگر- ان پرداخته تا شاید از اینراه: به خواب و خیال جدیدشان: ( **فدرالیزم** ) نائل آیند!! در هر دو صورت باید **گفت حضرات!**: ( **شتر در خواب بیند پنبه دانه** . و یا بسخن دیگر.... زمین شور سنبل بر نیارد ).

**آقای هجری!** ، شاید طول زمان " **30 سال** " زندگی دوری و فراق از مردم و محل موجب شده که جنابعالی آن امواج خروشان " **قیام سراسری** " اقشار و طبقات و توده های میلیونی بپاخواسته خلق کرد راز خرد و کلان گرفته تازن و بجه و پیرو جوان ... متحد و هم صدا و... هم هدف که: نتیجه و بازتاب مستقیم تاریخ: 50 سال حکومت استبداد رژیم سلطنتی ( **متحدان امروزی** ) شما از یکسو ، و بر مبنای و طرح: خواست: ( **ملی و اجتماعی** ) خویش از سوی دیگر ، بیاد ندارید؟! ، و... یا زیاد برده اید؟! . مگر نه اینکه: بهمت والا ی آن مبارزان کرد سراسر سرزمینهای آشغال شده را از لوس نیروهای اشغالگر رژیم: پاک سازی و... آزاد نکردند؟! . مگر نه اینکه: رژیم اسلام گرای خمینی را که " **دیروز و امروز** " **حضرات!** حتی جرات نفس کشیدن - و انتقاد کردن از آن نداشتید و ... ندارید. واداره تسلیم و مذاکره نکردند؟! و .... الخ. مگر نه اینکه: اینهمه کامیابها و فرصت های طلایی و تاریخی در نتیجه: اهمالگریها ، عدم لیاقت و شایستگی دستگاه رهبران ( **گمشده راهنما** ) به رهبری قاعد اعظم: ( **دکتر قاسملو** ) بهدر نرفت؟؟

مگر نه اینکه: همزمان و با وجود برتری کامل و کامیابیهای روزانه نیروهای پارتیزان کرد در سرتاسر جبهه های **جنگ میهنی** با دشمن ، دستگاه رهبری از قبل وابسته به بیگانه؟! ، راه وابستگی و... پناهندگی به رژیم بعث عراق را بر آنهمه موفقیتها و... بویژه و مهمتر از آن آنهمه امکانات بیدریغ و پایان ناپذیر ( **مادی و معنوی** ) ، اقشار ، طبقات و توده های میلیونی مردم کرد - و مبارزان آن در منطقه را ترجیح ندادید؟! ..... الخ.

**آقای هجری!** بیائید اگر یک بار هم که شده بخاطر: توده های مظلوم و ستمدیده کرد و اهداف و آرمانهای تاریخی و خونین وی از روبرو و با واقعیتها روبرو شوید ، بیا به خاطر: منافع گروهی و جاه طلبیهای فردی و گرو و هی کتمان حقایق نکنید. در اینصورت است که جنبش راه طبیعی و تاریخی خود را باز خواهد یافت ، و فرار از نشیبهای این راه سخت و دشوار مسلما سهل و آسانتر خواهد پیمود بود .... بیائید راهی را انتخاب و برگزینید که دیگران رفتند و کامیاب شدند. مسلما اینراه: نه تنها با گزینش تاکتیک " **کمپ نشینی** " و استراتژی " **انتظار** " **و بویژه:** تلاش در توجیه آن قابل دسترسی نبوده - و نخواهد ، بلکه: **کاملا بعکس**.

حالا لیه بمانند جغد شوم شکست و ناکامی بر خرابها و قلاء بجا مانده از ارباب سابق صد ها کیلومتر بدور از صحنه های واقعی " **سیاسی و نظامی** " آشیانه کرده - و در دل تاریکی شب به صدای: شوم و مایوس خویش گوش فرا داده و... با توسل به: ( **حیله و نیرنگ** - و قول و غزلها ) از مردم کرد: میخواهید که بار دیگر به صحنه آیند و ... کمپ نشینان را برای بار دیگر بازگردانند ، **بمعنای دیگر:** فرزندان خود را فدای معدودی: فراری و آواره ، بیهدف ، معتاد بافیون و وابستگی و... ثروت اندوزی نمایند؟! . ولی دیگر: **حضرات!** ، مردم کرد بار دیگر گول ایمن قبیل فریب و نیرنگها و این وعده و وعید های موهوم و... پوچ و تو خالی و ... خود بزرگ بینانه را نخواهند خورد .

یعنی اینکه دیگر: دیر شده است، خیلی هم دیر شده (30 سال!!). بسخن واضحتر: نه شماها مردم را بیاد می‌آورد و ..... نه مردم کرد شماها را باز شناسند.

د ر اینجا ضرور میدانم که: برای پاسخ گوئی به شعار دکتر قاسملو و پیروانش: (( ما سیاسی هستیم و نه نظامی )) به سرخط: ( تجربی و تاریخی ) جنبشهای رهائیبخش ( ملی و انقلابی ) خلق کرد در چند دهه اخیر اشاره ای کرده باشم.

جنبشهای مسلحانه خلق کرد: همواره - وبدون استثناء، بهمت والای فرزندان آن در صحنه های نبرد با نیروهای اشغالیگران موفق و پیروز بوده و .... دشمن و اداریه مذاکره و گفتگو کرده اند. لکن، بعکس؟! هر بار این کامیابیها که متاسفانه به بهای ( خون و خرابیها ) حاصل شده اند. در نتیجه عدم شایستگی، اهمالگریها، و بویژه! عدم استقلال رای رهبران: (( گمشده راهنما )) این جنبشها موجب گردیده اند: 1- نیروهای شکست خورده اشغالیگران از فرصت زمانی این مذاکرات بنام - و باصطلاح نظامی آن (( اغتنام وقت )) استفاده کرده - و به تدارک و تجدید سازمان نیروهای خویش پردازند: ( این اصل در امور سیاسی نیز صادق است ). 2- برعکس! در طول زمانی این مذاکرات نیروهای مسلح و مبارز کرد: آن شور و اشتیاق - و تمایل اولیه به ادامه مبارزه را از دست داده و از حالت تهاجمی به وضعیت پاسیویته در میآیند. 3- دستگاه رهبری این جنبشها پس از شکست و ناکامی در مذاکرات: (( مردم و صحنه های مبارزه " سیاسی و نظامی " )) مورد ادعای موروثی شان را رها و به یکی دیگر از دشمنان تاریخی و .... متحد و قسم خورده در قبال: (( مسئله خلق کرد )) پناهنده - و متوسل شده و .... بدینسان بعنوان " عنصر داخلی " موجبات شکست و ناکامی جنبشها را فراهم آورده اند. 4- و این دور تسلسل و تداوم را آنها همچنان و تا با امروز ادامه داده و ..... میدهند.

د ر این کجراه " اندیشه و عمل " سران این جنبشها یک وجه مشترک و مشخصی و .... یک خیانت اساسی داشته اند. و آن اینکه: آنها در بهترین حالت وابستگی بمصالح و امکانات دشمن را بر پشتیبانیهای بیدریغ و مورد اعتماد توده های میلیونی خلق کرد را ترجیح داده - و توجیه و تبلیغ کرده و ... میکنند. در این راه به بهانه دستاویز هائی از قبیل چاره چیست ... چه باید کرد؟؟ ( راه دیگری وجود ندارد )!!، این تاکتیک است .... شورش را که نمیتوان تعطیل کرد و .... الخ، بیشتر از اینجا سرچشمه میگیرند.

بعلاوه و .... مهمتر از آن: سران این جنبشها پس از انجام مراسم وابستگی بدشمنان خلق کرد!!، بمثابه: آلات و ابزار " بلا اراده " دست آنها و بویژه: با استفاده از کینه و خصومتها تاریخی و فامیلی سران: ( فنودال عشیره ) ای، این جنبشها، آنرا به جنبشهای ضد خودی یعنی: کردستانی کردن: ( جنگ و برادر کشی ) تبدیل کرده اند، که خسارات و تلفات مالی و جانی آن در این " دولتهای " سران عشیره ائی بمراتب سنگین تر و بیشتر از خسارات و تلفاتی بوده اند که: این جنبشها در صحنه های نبرد با دشمنان خلق کرد داشته اند. برای نمونه میتوان ( و باید ) به جنگها: ( دولتها و تصفیه حسابهای ) د و عشیره " بارزانی و طالبانی " در کردستان جنوبی - و نیز جنگهای برادر کشی بین د و فنودالزاده کرد: ( قاسملو و مهتدیها ) در کردستان شرقی اشاره و تاکید کرد. که یکی از نتایج: " شوم و خانمان برانداز " آن رامیتوان ( و باید ) در زندگی 30 سال کمپ نشینی سران د و جناح منشعب و منزوی حزب دمکرات ایران بر آورد و جستجو کرد.

میدیا، زور جاباس له و ده کری که حیزبی دموکرات کردستان ئیران، له به رئه وه ی که ئیرانی به سه رنبوه که یدا هه یه له باری نه ته وه بیبه وه کیفدار ئک لاوازه، یانی کارناکه له جیهه تی نه وه ی که هه مووکوردستان به بی وه ربه خوبی کردستان و نه وانه، زیاتر به ئیرانه وه دنووسی، باله رای جنابت وه کوکه سی که حیزب، به تاییه ت دوی گنگره وه ئاگادار بین، چونکه ده شکوتری که " حد کا " دوستی پان ئیرانیبه کانه وه سه لته نه ت ته له بیشه؟.

ئه مه پرسپار ئکی به جیبه، مه سه له ی ئیرانی بوون و ئیرانی نه بون، ئیمه برنامه ی حیزبه که مانه، ئیمه وانیهه دپا - عی شه رمؤنانه له وه بکه ن که ئیمه ئیرانین یا ئیرانی نین، له برنامه و پیره وی حیزبی دموکراتی کردستان ئیران نه وه به برنامه ئ ئیمه یه، ئیمه ده بی له چوار چئوه ی نه وه بر نامه یدا کاریکه ین، باوه ریشمان به وه هه یه که ئیمه ی کوردین و کوردی ئیرانین، هه روه ک به شئک کورد هه به کوردی تورکیایه، کها و ابویه پنجه وانه ی نه و پروپاکه

نده ی که عیده به ک ده یکه ن ئیرانی بون وکورد بون هیچ موغایره تنکئان له گه ل به کترنییه ، نه من کوردم وئیرانی شم ، دژی حکومتی ئیستای ئیران مباره زه ده که م ، نه وه هیچ موغایره تنکی له گه ل به کترنییه ، نه وه لایه ک ، له لایه کی دیکه شه وه ، پئم خوشه بزائم که نه وانه ی وادلئن ، چ هه نگوئکی زیاتریان له حزبی دئموکراتی به ره وه ته وه بی بوون هه لئناوه ، نه گه رشیعار ده لئن کوردستانی به کگرتوو پئک دینیین وکوردستان هه موپئکه وه ده نئین ، نه من زووترنه وه ی وه کوخه یال ده زانم ، حزبی دئموکرات حزبیکی سیاسییه ، ته جروبه ی ( 63 ) سالی هه یه ، حنز- بئکه له وماوه دا فئربووه زیاترله جیاتی نه وه ی له خه ون وخه یالدا بژی له واقعیدا بژی ، حزبی دئموکرات پی له سه رنه رزه ، له ئاسمان نییه که یه کیک پی خوشه کوردستا هه مو یه ک بگرتنه وه یا هی واهه یه ده یه وئ فیدراسیونی خا ورمیانه پئک بنئی ، زورزور به جنییه ، به لام ئیمه وه ک حزبی دئموکراتی به وه ی که له به رنامه که مان دایه پئی پا به ندین ودیفاعی لی ده که یین **وهیچیش پیمان عه یب نییه بوئه وه ی کوردی ئیرانین ، کوردی ئیرانین وئیرانین وفه خر- ی پئوه ده ده که یین ، لانی که م ئیمه ی کورد هه زاران ساله له وخاکه دا ده ژین ، رنگه کوردی به شه کانی دیکه دوی شه ری چالديران ودوی شه ری جیهانی دابه ش کراون وله ئیران جودابونه وه ، به لام خوئیمه هه زاران ساله له ئیرا- نئین ، بوئه من ، نه وه ی له به رنامه ی حزبی دئموکراتی کوردستانی ئیراندایه به دروستی ده زانم ، پی پابندم ، دیفاعی لی ده که م ، ئیستا نه وکاته که نه سلنه هئندئ له هئزه کوردییه کانی ئیستای کورد بونیان پی عه یب بوو ، ئیمه گوتوما نه کورد مافی خویه تی که وه لاتی خوی هه بی ، چ له وه شه ی که تنیداده ژی ، چ هه رچوار پارچه ی کوردستان .** " د قاسملو" نه ده می باسی نه وه ی کردووه وکتویه تی که پئیان گوتوه ته جزیه ته له ب ، ده لی ئیمه نه گه ره وه ول بده یین بوئه وه ی کوردستان یه ک بگرتنه وه ، نه وه تجزییه نییه به لکو یه کگرتنه وه یه ، یه کگرتنی نه وه به شاننه ی که جو دا کراونه ته وه ، که و ابو له پرنسیپی حزبی دئموکراتا نه وانه هه ن ، به لام موهیم نه وه یه که ئیمه چمان بوئه کوری و ده تونین چ سیاسه تنک به ریینه پئشی ، به له به جاوگرتنی ته عادولی هئزله مه نتقدا ، وبه له به رچاوگرتنی ته عادولی هئزکورد به نسبه تی نه هئزانه ی که هه ن.

**آقای هیجری! منظور تان کدام برنامه و پیرو پروگرام است که : اینهمه با غرور و افتخار از آن سخن میگوئید؟! و به ویژه ، باستناد - و اعتبار مصوبات آن نه تنها به ایرانی بودن ( خود و اطرافیان ) تان افتخار و مباحثات میکنید؟ ، بلکه پا را از این هم فراتر نهاده و .... مدعی هستیید که گویا : ( همه کردستان قبل از جنگ جهانی متعلق به ایران بوده و از آن به بعد از ایران جدا شده اند )؟! و .... لذا : خلق کرد هزاران سالست ایرانی بوده و ... ایرانی هم خواهد ماند؟!!**

**آقایان عزلت نشین 30 ساله! : ( جیره خواران موظف و .... بالفطره ) (( آن و این ))! از جنگ جهانی به بعد تاکنون هیچ شوینست ایرانی اعم از: ( انفرادی ، سازمانی و حکومتی ) چنین ادعائی : ( لاطائلاتی ) را بر زبان و قلم نیاورده و یا .... مطرح نکرده است.**

**حضرات رهبری 1/2! .... ایرانیهای پاک زاد ، نواده های " کوروش و داریوش " ! اگر شماها بر سر عهد و پیمان وفا داری بایران و .... ایرانی بودن (( در کمپ آوارگان ایرانی )) با هم در مسابقه و مجادله هستیید؟! ، این چه ارتباطی به : (( جامعه و سرزمین )) کرد و .... بویژه ، با آرمان و اهداف " والا و مقدس - تاریخی و حقیقی آن (( آزادی و استقلال )) آن دارد؟! . بمصداق اینکه : **چرا از کیسه خلیفه میبخشید؟! ، چرا: از ثروت و مکنتی که باعتبار چنین : (( حمد و ثنا و .... تزویرو تملق )) باستان شوینیزم ، بهم زده اید ، نمی بخشید؟!!****

**آقای هیجری! (( ایرانی مفتخر و مبارز )) برنامه و پیرو پروگرامی که : باعتبار چنین : عقیده - و اظهار نظر : ( شوینست مآبانه ) ای و .... بویژه در جا و مکانی بنام کمپ آوارگان رهبری و .... فرسنگها بدور از صحنه های واقعی " سیاسی و نظامی " مورد ادعا موروثی رهبری تنظیم و تصویب شده باشد . نه تنها به پیشیزی نمی ارزد ، بلکه به یک ( دینار عراقی و یا دلار آمریکائی )؟! .... حتی ارزش و اعتبار یکبار خواندن را هم ندارد .**

**زیرا : تمام مطالب و مند رجات آن برنامه و .... این مصاحبه و .... سایتهای اینترنتی و .... الخ .... فقط و فقط برمیاء و محور این مسئله دور میزنند و .... مسلما در آینده نیز خواهند زد . بدینمعنا که : مدت ( 30 ساله ) کمپ نشینی و .... بانتظار (( قضا و قدر )) ها و .... همزمان : اندوختن مال و ثروت را که : " بیهانه و دستاویز " مبارزه و .... از محل خون هزاران شهید ، بهم انداخته را توجیه و ... بسا! توانسته باشید بدینوسیله و از این**

طریق (( حبله ونیرنگ )) ها : خود را در پیشگاه مردم کرد - و تاریخ مبارزاتی : ( 30 سال گذشته ) آن که پراز : دردها ورنجها ، خون ، خرابی و خسارت ناشی از : ( وابستگیها ) بآن و این است ، تیرئه کرده باشید؟! .

آقای هیجری! مدعی هستید که شما حزبی با سابقه ( 63 ) ساله و پاهایتان در زمین است و نه در هوا؟! ، و بر این اساس خود را مقبولتر و .... اصیلتر و مبارزتر از دیگران میدانید!! .

اولا - پاهایتان در روی زمین نیست ، بکه : 30 سال است که در کمپ آوارگان ایرانی بوده و ... هست ، متأسفانه آنجا را نمیتوان جزء زمین به مفهوم عام آن بحساب آورد . **ثانیا -** 30 سال اخیر و ... 33 سال بقیه قبل آنرا نیز در شرائط آوارگی و سرگردانی ( سیاسی و تشکیلاتی ) در شکل و محتوای : ( **جیره خواران موظف** ) دیگر - ان بسر بردن نه تنها دلیل و مایه افتخار و مقبولیت بر سایرین نیست . بلکه : تاریخ ( 63 ) پراز انحراف و ... توجیه انحراف از : خط مشی بنیانگذار حزب و جمهوری کردستان که : بهمت والا و جهان بینی رهبری آن ( 63 ) سال قبل استقرار یافته و .... امروزه بعنوان سند تاریخی مورد استقبال و افتخار تاریخ مردم کرد ، مبارز و آزادیخواهان آن بوده و ... خواهد ماند.

**ثالثا -** طول زمان ( 63 ) سال بخودی خود نمیتواند : معیار و سنجش هویت و ارزشهای کارکرد : سیاسی و یا اجتماعی و طبقاتی : فردی ، گروهی و یا .... سازمانی باشد.

یعنی اینکه : باید دید رهبری این سازمان و یا جنبش در دست کیست ؟ ، منش و مشی کدام طبقه و یا نیروی اجتماعی بر این سازمان و یا جنبش فرمان میراند ؟ ، جهان بینی و اندیشه شان برای رشد و تکامل این سازمان و یا آن جنبش " انقلاب دمکراتیک ملی " مردم کرد از ظلم و ستم اشغالگران شومینیزم کدام است ؟ .... باید دید کل جنبش دیروز و امروز در خدمت کیست ؟ .... در خدمت رهائی خلق کرد ستمدیده کرد ؟ .... برای پایان بخشیدن به : دردها ، رنجها و ستم هائی است که : بصورت روزانه بر میلیونها ستمدیده کرد وارد آمده و .... همچنان وارد میآیند ؟؟ . مسلمان نه .

آقای هیجری : (( ایرانی پاکزاد و مفتخر ))؟! ، اگر چنین بود : میبایست امروزه به قیمت گزاف و گرانبهای جان هزاران نفر از بهترین " مبارزان و آزادیخواهان " کرد ، در کردستان ستمدیده ائی ، زندانی ، سرکوب و شکنجه ائی دیده نمی شد .

اما تصویری که و اقییات اوضاع و احوال مشخص کردستان منعکس میکنند ، درست به ( وارونه ) است . بدینمعنا در کردستان امروز بیش از هر وقت دیگر سرکوب شده - و مظلوم و زندانی هست ، بیش از هر زمان دیگر : تعدی و تجاوز - و اعدام و تیرباران شده هست!! ..... و اینهمه چرا؟!

تعجبی ندارد که اگر : در چنین شرایطی دستگاه الیگاریشی و .... انشعابی سران " کمپ نشین " این حزب ، بجای چاره اندیشی ، بعکس : این امواج خشونت و قدری رژیم را از ابتدا بازگشت از عراق تا زمان برگشت بهمین جا ( کمپ آوارگان رهبران : گمشده راهنما ) و ... تا امروز : ( ملاک و ملاط ) باجگیری و حق السکوت خود کرده اند!! .

بدینمعنا : ( هر اقدامی ، هر انتقادی ، هر سخنی علیه ما " دستگاه رهبری : 30 ساله ساکن کمپ آوارگان ایرانی " و خط مشی سیاسی و تشکیلاتی ) آنان کمی خواهد بود به : دشمن و استقرار نظام ارتجاعی و استبدادی آن .

و این خط مشی : ( سیاسی و تبلیغاتی ) بیمارگونه ، مبتذل ، انحرافی و .... متداول و موروثی بمنزله قطب نمای مبارزاتی جناحهای انشعابی و رقیب ، در رابطه با مخالفین و منتقدین : ( سازمانی و غیرسازمانی ) مورد استفاده و بهره برداری بوده و .... میباشد .

دقیقا هم بعلت آنست که : اکنون مدت 30 سال پس از خیزش سراسری خلق کرد ، آن حزب در لوای چنین : مصاحبه های " مغلطه آمیز و توجیه گرانه " به چنان درجه ای از انحطاط بابرانه ، انحرافی و فرگیرد ر غلطیده که شیوه : ( قلب اندیشه ها - و پرده پوشی حقایق " گذشته و حال " خصوصیت انکارناپذیرشان شده است ) .

**چراکه** : آنها نه تنها از این وقایع و رویدادهای تلخ " تاریخی و تجربی " هیچ پندواندازی نگرفته اند!! ، **بعکس** : با الهام و پیروی از اندیشه و ایدئولوژی مصلحت اندیشی گروهی ، بجای هدایت واقعی و صادقانه جنبش ، عملاً به سیاست بازانی حرفه ائی و .... معامله گران بی بند وباری تبدیل شده اند که : از هیچ حيله و نیرنگی ، تبنانی و تو- طئه ای علیه خلق کرد **و بویژه** ، جنبش : ( انقلاب دمکراتیک ملی ) آن دریغ نکرده و تردیدی بخود راه نمیدهند.

بحران و بن بست (( تشکیلاتی ، سیاسی و نظامی )) موجود و .... ادامه آن که امروزه ارگان رهبری این حزب رافرا گرفته است بیشتر ناشی از این حقیقت اند.

**آقای هجری!** : ( حد کا : مفخر و مبارز )!! ، چرا : در ضمن این لفاظیهای " وطن پرستانه و ... شوینیزم مآبانه ازدادن جواب به خبرنگار : ( میدیا ) که میپرسد : ( گفته میشود " حد کا " دوست پان ایرانیستها و سلطنت طلبها است ) ؟ ظفره رفته و آنرا عالما و عامدا : به فراموشی و سکوت برگذار میکنید ..... **هان! چرا؟؟** . و از آن عجیب تر اینکه : ( میدیا ) هم این موضوع را " **جواب سؤال** " خود را تعقیب نکرده و .... جواب سؤال خود را به مصاحبه کننده و امیگذار .... میگذرد!!.

**آقای هجری!** ، در پایان این مصاحبه تشریفاتی و از پیش تهیه و تداک شده ، به تحلیل و برآورد : امکانات نیروی خودی - و دشمن ، برای **توجیه** : وضع موجود و .... **تبرئه** 30 سال زندگی کمپ نشینی و .... ادامه آن میپردازد.

**آقای هجری!** - **اولا** - برآورد وضعیت نیروهای : ( خودی و دشمن ) و مقایسه آن با همدیگر در این قبیل موارد یک کار تخصصی و حرفه ائی است . ولذا از وظایف و خصائل کمپ نشینان ، آنهائیکه : در این مدت 30 ساله گذشته و ادامه امروزی آن ، حتی بخاطر حفظ جان خودشان هم شده گلوه ای بهوا شلیک نکرده اند! خارج است.

**حضرات رهبری!** ، این قبیل برآورد وضعیت های : ( **توجیه گرانه و ظفره آمیز** ) شرائط و امکانات نیروهای "سیاسی و نظامی" در یک جنبش رهائیبخش ( **ملی و انقلابی** ) و مقایسه آن فقط بدرد خود فریبی و رفع مسئولیت میخورند ..... لاغیر . مگر با همین امکانات : ( سازوبرگ ، تجهیزات و نفرات ) نبود که نیروهای جنبش توانست بر نیروها و امکانات و تدارکات دشمن غلبه کنند؟ ، مگر با همین امکانات نبود که رژیم را وادار به مذاکره - و مصالحه نکرد؟ ، مگر با همین امکانات و عدم استقلال رای رهبری از پیش وابسته به بیگانه نبود که آنهمه : موفقیت و کامیابیها را به ندرنداد ؟ ، مگر **زمانیکه** : نگارنده این سطور " **سرهنگ چیا " ی** : ( **معتقد ، مومن و مصمم** ) **به ارمان و اهداف والای مردم کرد** : با دانش و طراحي برتر نظامی و تعلیم و تربیت نیروهای پیشمرگه و .... همت والا و حماسه آفرینی آنان در صحنه های نبرد ( **گردان 801 هوایرد شیراز را با آنهمه نیرو** : ( **540 نفر و 53 خود رونظامی و 6 اتو بوس حامل نفرات و ..... مجهز به سازوبرگ مدرن نظامی** ) با تعداد 33 پیسمرگه در محور بین بوکان و میاندوآب تارومار و بتصرف در نیآورد .... **مگر نه اینک** ، همزمان دستگاه رهبری حزب در پشت دروازه های قلعه دزه ( عراق ) منتظر دریافت جواز عبور از : دستگاههای ( **اطلاعاتی و امنیتی** ) رژیم سرنگون شده بعث نبود؟! و ..... الخ و .... الخ.

اگر امروز میبینیم که مستعمرات دیروزی استعمار پیرو .... امپریالیزم نو از : قاره امریکای لاتین گرفته تا دیگر قاره های آفریقا و آسیا یکی پس از دیگری آزاد و صاحب سرنوشت خود شده اند . **نه بخاطر** : داشتن هواپیماها ، تانکها و موشکهای از نوع کروزر ، بمبهای آتش زا و خوشه ائی بود.

**خیر حضرات بیدار شوید!** ، از مغلظه کاری و سفسطه بازی .... از خود فریبی دست بردارید ، از غلطیدن در مبل های سلطنتی در برابر تلویزیونهای ماهواره ائی ؟ ، از آطاقهای مفروش با مبلمان مدرن روز با پنجره های کرکره ائی از جلسات مشروبوخوارگی تا نیمه های شب دست بردارید و ..... **بالاخره** ، از خیره شدن - و غلطیدن در میان دلار - های امریکائی البته اگر ممکنست : دست بردارید ..... آنگاه فقط آنوقت است که : خواهید فهمید که : جنبشهای توده ائی در برابر : ( **آن و این** ) نیروهای جهمی در ابتدا با تفنگهای سریر ، ته پیر ، و یا داس و طبر ..... لکن با اعتقاد و ایمان ، مصممانه و پیگیر مبارزه را آغاز و .... بسر انجام رسانیده اند .

**یعنی اینک** : در جنگهای منظم سازوبرگ و تجهیزات نظامی البته مهم است . ولی در جنگهای رهائیبخش ملی و طبقاتی آنچه را که مهم ، تعیین کننده و سرنوشت سازند : ایمان و اعتقاد به هدف ، قبول و تحمل شرائط سخت

ودشوار: مبارزه: ( ارگان رهبری این جنبش یا جنبشها - نیروهای مسلح آن ) و ..... بالاخره ، بیکاریگیر و مصممانه و خستگی ناپذیر آنانست . نباید فراموش شود که : امید و اتکاء به پشتیبانی : ( بیدریخ و لایزال ) توده های میلیونی خلقی در مسیر اینراه : پرافراز و نشیب و .... سخت و دشوار و سرانجام موفقیت آمیز جنبشها نقش حیاتی ، مستقل و سرنوشت سازی را بازی کرده و ..... از وابستگی جنبش و .... جنبشها جلوگیری خواهد کرد .

**حالیه مسئله اینست که :** اگر سران ساکن : ( کمپ آوارگان ایرانی ) مفتخر به : ایران - و ایرانی بودن ، نواده های داریوش و کوروش کبیر ، متحدان سلطنت طلبان و پان ایرانیست ها .... **بالاخره :** باین نتیجه رسیده اند که : نمیتوانند با امکانات و نیروهای منطقه مبارزه کنند .... همچنانکه در مدت 30 ساله هم نکرده اند پس منتظر چه هستید؟! .... قضاوقدر یا افسون و معجزه .... از آن گذشته وقتی حضرات دوجناح انشعابی حزب دمکرات ایران یکی پس از دیگری باستناد از پیرو پروگرام مصوبه در گنجره ها ایشان و ..... **بویژه** - و مهمتر از آن با پیروی از تعهد و التزام سپرده به سران حکومت محلی کرد : ( اربابان جدید ) شان .... و انجام مصاحبه ها و تبلیغ : میهن پرستانه شان .... دیگر : دشمنانی که : **این حضرات** مدعی مخالفت و مبارزه با آنند کیست و یا .... کیست اند ؟ و کجا است ؟ ، اصولا : چه هدف و آرمانی را دنبال میکنند ؟ ..... الخ.

**آقای هیجری ! :** ( ایرانی مفتخر و مبارز ) ؟! . **اولا** - چه تضمینی مورد اعتبار و اعتمادی را میتوانید به مردم کرد و .... مبارزین و .... آزاد خواهان آن بدهید که : جناح مربوط به جنابعالی از : طریق : آقای مسعود بارزانی با رژیم جمهوری اسلامی ایران در تماس نیستی؟

**ثانیا** - حالیه که : این جناح باستناد : برنامه و .... پیرو پروگرامی که در گنجره اخیرشان : (( در کمپ آوارگان ای ایرانی )) تصویب و .... باعتبار مصوبات آن ، مندرج در این مصاحبه : (( نه تنها به : ایرانی بودن خود افتخار و مباهات میکنند ، بلکه : همه بخشهای دیگر کردستان را از آن ایران میدانند )) ؟!

**لذا پیشنهاد من اینست : 1 - بجای سرود ملی (( ای رقیب )) ، سرود ملی ایران را (( ای ایران ای مرزپرگهر )) را در گنجره آینده تان تصویب فرمائید . 2 - بجای : پرچم ملی کرد : (( پرچم سه رنگ ایران از نوع سلطنتی آن را با : آرم و نشان شیروخورشید )) در پایگاه مدیریت و فرما - ندهی رهبری : واقع در (( کمپ آوارگان ایرانی )) را برافرازید .**

پایان .

[Chia.rabii@yahoo.com](mailto:Chia.rabii@yahoo.com)

22 دسامبر 2008-12-22

مالمو سوئید .

